

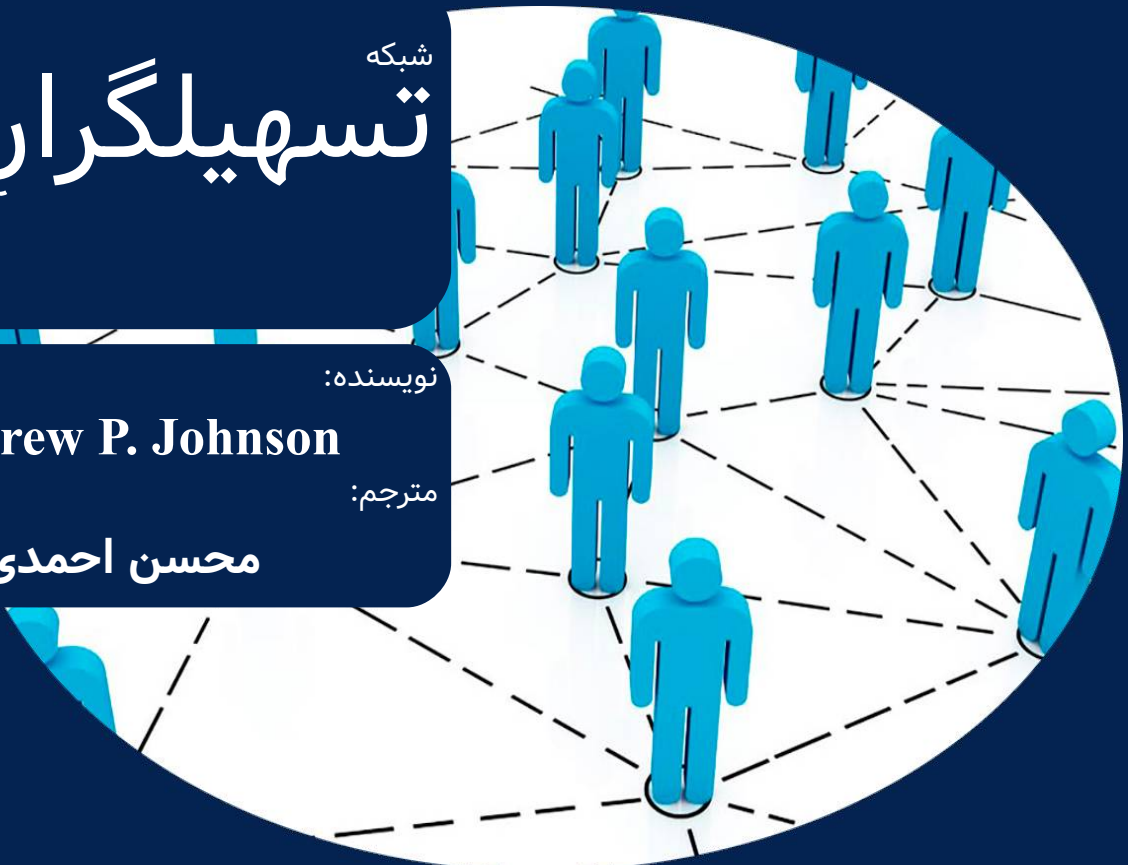
# تئوری یادگیری انسان‌گرا

*Humanistic Learning Theory*  
By Andrew P. Johnson

شبکه  
تسهیلگران  
آموزشی

نویسنده:  
Andrew P. Johnson

مترجم:  
محسن احمدی



# تئوری یادگیری انسان‌گرا

*Humanistic Learning Theory*

By Andrew P. Johnson

مترجم: محسن احمدی



پروژه

شبکه تسهیلگران آموزشی

مؤسسه بهشت کودکان

تئوری یادگیری انسان‌گرا

Humanistic Learning Theory

ناشر: شبکه تسهیلگران آموزشی

<https://tashilgar.net>

نویسنده: Andrew P. Johnson

مترجم: محسن احمدی



## فهرست

۴.....	تئوری یادگیری انسان‌گرا.....
۴.....	تئوری آموزش و توسعه انسان.....
۴.....	آموزش انسان‌گرا.....
۴.....	گرایش تکاملی.....
۵.....	مبانی تئوری یادگیری انسان‌گرا.....
۵.....	حمایت از اصول آموزش انسان‌گرا.....
۸.....	آموزش انسان‌گرا.....
۹.....	معلم انسان‌گرا.....

## تئوری یادگیری انسان‌گرا

### تئوری آموزش و توسعه انسان

دیدگاه‌های گوناگونی مرتبط با چیزی که تئوری یادگیری انسان‌گرا به طور دقیق هست وجود دارد. با این حال دو ایده بزرگ برجسته به نظر می‌رسد، اول: هدف نهایی آموزش درست، از یک دیدگاه انسانی، توسعه انسان و رشد شخصی است. تمرکز روی این‌ها به طور طبیعی دستاورد فکری را افزایش و بهبود خواهد داد و باعث آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کمک به جوامع جهانی و همچنین جوامع محلی می‌شود. دوم: طبیعت انسان اساساً خوب است به این معنی که، انسان‌ها تمایل طبیعی دارند که یاد بگیرند، رشد کنند و به طور کامل توسعه پیدا کنند، به طور مثال آموزش وقتی مؤثرتر است که با این تمایل طبیعی هم‌تراز است. تئوری یادگیری انسان‌گرا یادگیری را با توجه به این گرایش‌های طبیعی توصیف می‌کند.

### آموزش انسان‌گرا

تئوری یادگیری انسان‌گرا، زمانی که به درستی در یک محیط آموزشی استفاده شود موجب خوشایند شدن و بهتر شدن یادگیری آکادمیک، رشد فکری و توسعه دانش و مهارت می‌شود. بر طبق این تئوری یادگیری به وسیله ایجاد روابط شخصی با زندگی، احساسات و تجربیات دانش‌آموزان بهتر می‌شود. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان بیشتر و عمیق‌تر یاد بگیرند.

اینجا دانش‌آموزان به وسیله مفهوم سنتی دستیابی به بدنه دانش و مجموعه‌ای از مهارت‌ها یاد می‌گیرند. اما در عین حال می‌توانند ارتباط شخصی با موضوع و سایر شخصیت‌های انسانی برقرار کنند. به همین ترتیب آموزش آکادمیک زمینه برای رشد شخصی و همچنین توسعه مهارت‌هایی که لازم است در جهان رشد کند فراهم می‌کند.

### گرایش تکاملی

تئوری یادگیری انسان‌گرا بر این فرض استوار است که همه انسان‌ها یک گرایش طبیعی به رشد، یادگیری و توسعه به طور کامل دارند. کارل راجرز این را به عنوان هسته داخلی غریزی توصیف کرد که مردم را در جهت رسیدن به پتانسیل کامل خود حرکت می‌دهد (راجرز ۱۹۶۹)

آبراهام مازلو از اصطلاح خودآموزی برای توصیف پیشرفت طبیعی و ذاتی انسان به بالاترین حالت خودش استفاده کرد. آموزش انسان‌گرا به دنبال ایجاد تجربیات آموزشی مطابق با این خواسته‌های طبیعی است. وقتی دانش‌آموزان به طور طبیعی آموزش می‌بینند با خوشحالی بیشتر و عمیق‌تر یاد می‌گیرند. با این حال وقتی دانش‌آموزان به زور وادار می‌شوند تا از طریق محرک‌های خارجی آموزش ببینند. کمتر یاد می‌گیرند و علاقه خود را نسبت به یادگیری از دست می‌دهند.

## مبانی تئوری یادگیری انسان‌گرا

این تئوری یادگیری را از لحاظ رشد فردی و توسعه کامل توانایی بالقوه انسان نه فقط در سطح فکری بلکه در سطح احساسی، روانشناسی، خلاقیت، اجتماعی، جسمی و حتی سطح معنوی توصیف می‌کند.

بر اساس این پنج هدف مشترک از آموزش انسان‌گرا معرفی می‌شود:

۱. برای تسهیل توسعه انسان‌های کاملاً کارآمد و خودپرورده که قادر به پرورش خود، دیگران و محیط‌زیست خود هستند.
۲. الهام بخش لذت یادگیری و تمایل به یادگیرنده‌های مادام‌العمر شدن
۳. برای ترویج کشف احساسات هر دانش‌آموز، استعدادها و ویژه و توانایی‌ها
۴. برای تدریس دانش و مهارت‌های لازم برای دانش‌آموزان که تصمیم‌گیرندگان خوب و حلال مشکلات باشند
۵. برای قادر ساختن دانش‌آموزان برای تبدیل به شهروندان مسئولیت‌پذیر جهانی که بتوانند به جوامع کمک کنند.

## حمایت از اصول آموزش انسان‌گرا

اصول حمایت‌کننده از آموزش‌های انسان‌گرای زیر می‌توانند در دستیابی به اهداف فوق کمک کند:

۱. یادگیری دانش‌آموزان باید تا جای ممکن به صورت خودگردان باشد. به عبارت دیگر باید دانش‌آموزان درباره آنچه یاد می‌گیرند، چگونه یاد می‌گیرند، و چگونه یادگیری خود را برای رسیدن به بالاترین درجه ممکن اثبات می‌کنند، انتخاب‌هایی داده شود. این انتخاب به معنای انتخابی تمام وقت نیست، انتخاب به این معنی است که شرایط را برآورده می‌کند. انتخاب روی یک زنجیره از بی انتخابی در انتها به

انتخاب کلی در همه زمان‌ها در انتهای دیگر است. برای مثال شما می‌توانید پیشنهاد دهید:

- بدون انتخاب: پسران و دختران، ما در حال مطالعه جنگ داخلی در این ماه هستیم - این کتابی است که ما قصد داریم بخوانیم - این موضوعی است که شما در مورد آن گزارش خواهید کرد
- یک انتخاب همراه یک مجموعه: پسران و دختران من، پنج کتاب برای شما گذاشته‌ام، شما می‌توانید یکی را انتخاب کنید و بخوانید
- یک انتخاب همراه با دسته‌بندی: پسران و دختران ما در حال مطالعه جنگ داخلی در این ماه هستیم شما می‌توانید هر کتاب یا هر موضوع مرتبط با جنگ داخلی را بخوانید.
- انتخاب کلی: پسران و دختران موضوعی را انتخاب کنید که شما را علاقه‌مند می‌کند و الهام‌بخش برای پروژه تحقیقاتی شما است. این معیارها ناشی از زمان هستند. کتابی که دوست دارید برای کلاس مطالعه پیدا کنید.

بعضی از دانش‌آموزان یا موقعیت‌ها انتخاب بیشتری نیاز دارند و بعضی انتخاب کمتری. هدف این است که حداقل محیط محدودکننده را ارائه دهیم. این بدین معنی است که حداقل مقدار لازم برای ایجاد یک تجربه یادگیری مثبت وجود دارد

۲. موضوع اصلی که قرار است یاد گرفته شود باید مرتبط با زندگی و علایق شخصی دانش‌آموزان باشد. باید تا جای ممکن با زندگی و علایق دانش‌آموزان مرتبط باشد. برای مثال، هنگام یادگیری حقایق عدد در مقاطع ابتدایی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود از آن‌ها برای تشخیص مشکلات در شرایط زندگی واقعی استفاده کنند. معلمان انسان‌گرا راه‌های خلاقانه برای موضوع مورد نظر پیدا می‌کنند یا با زندگی دانش‌آموزان در یک زمان ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها قادر به ارائه فضایی در یک برنامه درسی برای دانش‌آموزان برای کشف موضوعات مورد علاقه آن‌ها هستند.

برای مثال نوجوانان به شدت علاقه‌مند به موضوعاتی مرتبط با تجارب اجتماعی، روابط و تعریف آن‌ها از نظر ارزش‌ها و نقش‌ها یا مشاغل آینده هستند. مربی انسان‌گرا این موضوعات را همراه با انواع مختلفی از زمینه‌های موضوعی ترکیب می‌کند.

۳. طیف کامل تجربه انسانی باید در تجربه آموزشی گنجانده شود.

احساسات، روابط، خلاقیت، تخیل، شهود و مشکلات زندگی واقعی همه بخشی از تجربه انسانی است. شامل شدن آنها در تجربه آموزشی باعث افزایش یادگیری می‌شود. مربیان انسان‌گرا شرایطی ایجاد می‌کنند که انسان‌ها می‌توانند از دانش خود، همچنین عقل، احساسات و شهود برای حل مشکل، تصمیم‌گیری یا شناختن جهان استفاده کنند. مربیان انسان‌گرا مجموعه یک انسان را در تجربه یادگیری وارد می‌کند. برنامه درسی و دانش و مهارت‌های مرتبط با آن در یک زمینه چند بعدی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. از دانش‌آموزان خواسته خواهد شد تا امتحان کنند و کشف کنند که موضوعات چگونه مرتبط با زندگی و تجربیات شخصی و همچنین زندگی دیگر افراد تأثیر می‌گذارد. هنر، درام، موسیقی و هنرهای دیگر به عنوان ابزاری برای بررسی و یا پاسخ دادن به اطلاعات و ایده‌ها استفاده می‌شود.

ابزارهای آموزشی مهم شامل تحقیق، یادگیری اکتشافی، یادگیری اجتماعی و فعالیت‌های یادگیری تعاونی هستند.

۴. مدارس باید دانش‌آموزانی بسازند که می‌خواهند یاد بگیرند و می‌آموزند که چگونه یاد بگیرند. مربیان انسان‌گرا روی تمایل طبیعی دانش‌آموزان کار می‌کنند به وسیله پرسش از آنها درباره چیزهای مرتبط با زندگی آنها مطلع شوند و با کمک کردن با آنها ارتباط برقرار کنند. برنامه تحصیلی بر اساس روش‌های طبیعی آموزشی دانش‌آموزان طراحی شده و چیزهایی را درباره دانش‌آموزانی که می‌خواهند یاد بگیرند شامل می‌شود. همچنین به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که چگونه یاد بگیرند؛ بدین معنی که آنها چطور اطلاعات ضروری که نیاز دارند را دریافت می‌کنند و چگونه آن اطلاعات را به طور انتقادی تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌کنند و چطور از آن استفاده و آن را به کار می‌برند.

۵. دانش‌آموزان در یک محیط بی‌خطر به بهترین شکل یاد می‌گیرند.

تهدیدات به شکل تهدیدات فیزیکی و همچنین تهدیدات اجتماعی، تهدیدات احساسی یا چیزهایی که عزت نفس را در خطر قرار می‌دهد خود را نشان می‌دهند. وقتی مدرسه بیش از حد مورد رقابت و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد همیشه جمعیتی وجود دارد که ناکامی را تجربه می‌کند.

## آموزش انسان‌گرا

آموزش انسان‌گرا واکنشی است نسبت به سیستم آموزشی که به عنوان غیرانسانی دیده می‌شود و مجموعه شرایطی برای یاد گرفتن که بعضی آن را غیرانسانی می‌نامند. در بسیاری مدارس از دانش‌آموزان اغلب خواسته می‌شود که یادگیرنده منفعل باشند یا نیاز داشته باشند به شیوه‌ای که برای آن‌ها طبیعی نیست یاد بگیرند. آن‌ها مجبور به یادگیری چیزهایی هستند که انتزاعی هستند ارتباطی با تجربیات دنیای واقعی آن‌ها ندارد. آن‌ها با پاداش‌های خارجی، رقابت و ترس از شکست اداره می‌شوند. فقط بعد شناختی انسانیت آن‌ها اثبات می‌شود. و تنها راه‌های سنتی دانستن و وجود در جهان ارزشمند به حساب می‌آید. آموزش انسان‌گرا یک جایگزین برای مدل کارخانه سنتی آموزش است که در این کارخانه دانش‌آموزان به عنوان محصولات بر روی یک تسمه نقاله ۱۳ ساله هستند. در این کارخانه‌های آموزشی، استانداردهای بالا مترادف با استانداردسازی هستند که همه دانش‌آموزان مجبورند در یک برنامه تحصیلی پرورانده شوند. مهارت‌ها و واقعیت‌های یکسان به تمام دانش‌آموزان در مکان‌های از پیش تعیین شده متصل هستند. به طوری که آن‌ها بی‌صدا مانند ماشین‌هایی که به سمت خط مونتاژ حرکت می‌کنند راهپیمایی می‌کنند. کارایی، یکنواختی و کنترل دانشجویان و معلمان بر روی خلاقیت، نوآوری، فردیت و آزادی سنجیده می‌شود. آموزش برنامه درسی مهم‌تر از آموزش دانش‌آموزان است. صفاتی که می‌توانند اندازه‌گیری و مقداردهی شوند بر اساس خلاقیت، الهام‌بخشی و شهود سنجیده می‌شوند. روی این تسمه نقاله آموزشی، معلمان به عنوان کارگران کارخانه هستند. به آن‌ها گفته می‌شود چه چیزی تدریس کنند چگونه تدریس کنند و چه وقت تدریس کنند. آزمون‌های استاندارد به عنوان یک سیستم کنترل کیفیت برای تعیین کارایی کارگران کارخانه و تضمین کیفیت محصولات آموزشی (دانش‌آموزان) مورد استفاده قرار می‌گیرند. تولیدکننده‌های آموزشی از لحاظ رتبه‌بندی درصدی و رقمی توصیف می‌شوند. آن‌ها طبقه‌بندی و برچسب‌گذاری می‌شوند و طبق اینکه چقدر دور از بعضی معیارهای افسانه‌ای هستند تعریف می‌شوند.



## معلم انسان‌گرا

برای معلم انسان‌گرا، تدریس با یک رابطه آغاز می‌شود. کارل راجرز (۱۹۶۹) سه شرط برای یادگیری را بر اساس کار خود در ایجاد روابط درمانی با مشتریان توصیف می‌کند. آن‌ها هستند:

۱. احترام - هر دانش‌آموزی قابل احترام است. آنچه راجرز (۱۹۶۹) از آن به عنوان احترام مثبت بی‌قید و شرط نام می‌برد. دانش‌آموزان همان‌طور که هستند مورد پذیرش هستند. توجه داشته باشید که این بسیار متفاوت از پذیرش رفتار غیرقابل قبول است. این احترام به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا عزت نفس و احساس کارآمدی خود را ارتقا دهند که این به نوبه خود باعث افزایش یادگیری می‌شود.
۲. درک همدلی - معلمان تلاش می‌کنند تا چیزها را از چشمان یک کودک ببینند. آن‌ها آنچه که احساس می‌کنند مثل هیجان، شکست، گنجی، ناامیدی، کنجکاوی، اضطراب، اعتماد به نفس یا خستگی را درک می‌کنند. آن‌ها می‌دانند چه احساسی می‌توان داشت وقتی یک معلم از شما مراقبت می‌کند و شما را تشویق می‌کند که موفق شوید. ما معتقدیم که شما ارزشمند هستید و هر کاری می‌توانید انجام دهید.
۳. حقانیت یا همبستگی - معلمان از خود واقعی و قابل اعتماد خودشان تدریس می‌کنند. آن‌ها نقشی بازی نمی‌کنند یا آنچه که آن‌ها اعتقاد دارند یک معلم باید باشد را طرح‌ریزی نمی‌کنند. در عوض آن‌ها با احساسات خود ارتباط برقرار می‌کنند و به صورت واقعی واکنش نشان می‌دهند. معلمان واقعی مجبور نیستند به روش‌ها و تکنیک‌ها تکیه کنند در عوض آن‌ها می‌توانند به احساسات و تجربیات خود اعتماد کنند که راهنمای آن‌ها باشند (این بدان معنا نیست که استراتژی‌های مبتنی بر تحقیق مهم نیست. در عوض معلمان واقعی به کودکان آموزش می‌دهند نه برنامه‌ها، روش‌ها و استراتژی‌ها) هنگامی که این شرایط دیده شود پس یادگیری می‌تواند آغاز شود. این شرایط در خدمت ارتقا، نه کاهش، یادگیری آکادمیک و توسعه فکری است. [۱]

1: Johnson, Andrew P, Humanistic learning theory, 2014

شبکه  
**تسهیلگران**  
آموزشی

پاییز ۱۳۹۷